

اثرسنجی برنامه‌های اوقات فراغت دختران دانش‌آموز

(مطالعه موردی استان خراسان شمالی)

حامد عطائی سعیدی*
محسن ناصری راد**
سیده فاطمه محبی***

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف ارزشیابی اثربخشی برنامه اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر اجراء گردیده است. روش اصلی، ارزشیابی با استفاده از طرح آزمایش شبه پانل است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی و متوسطه شرکت کننده در برنامه اوقات فراغت تابستان ۱۳۸۷ در استان خراسان شمالی است. حجم نمونه ۵۸۳ نفر است. داده‌های بدست آمده از اجرای پرسشنامه با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و تحت آزمون معناداری ویلکاکسون مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان دینداری، مشارکت اجتماعی، شادابی و نشاط، آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در میان دانش‌آموزان دختر در قبل و بعد از اجرای برنامه تفاوت داشته است طوری که می‌توان گفت برنامه اوقات فراغت اثربخش بوده است. جهت این تأثیر نیز مثبت است.

کلیدواژه

ارزشیابی، اوقات فراغت، آزمون ویلکاکسون، برنامه، دختران.

- تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۸/۴/۲۴

* عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز hataei@tabrizu.ac.ir

** کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه تهران naserirad@ymail.com

*** کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء(س) mohebi_sf@yahoo.com

۱) مقدمه

اندیشمندان اجتماعی، زمان را به عنوان بعدی از حیات اجتماعی، زمینه‌ساز و بستر مهمی برای تمامی الگوها و مناسبات اجتماعی دانسته‌اند، به گونه‌ای که هم اکنون زمان، به بخش جدایی‌ناپذیر هر واقعیت اجتماعی انسانی تبدیل شده است. اوقات فراغت^۱ به عنوان یک پدیده فرهنگی اجتماعی موضوع مشترک تمامی اقشار جامعه است. در این میان دختران بیش از سایر اقشار جامعه در کانون توجه هستند. به لحاظ اجتماعی، برای فعالیتهای فراغتی دختران فرصت‌ها و زمان کمتری صرف می‌شود؛ فضاهای اجتماعی و فیزیکی که در آن بتوانند به فعالیتهای فراغتی بپردازند با محدودیت روبروست و در واقع گزینه‌های فراغتی آنان محدود است.

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از مباحثی است که پس از انقلاب صنعتی به موضوعی مهم بدل شده است. پس از انقلاب صنعتی، دسترسی فزاینده انسان به فن آوری جدید باعث شده است اوقات فراغت در هفته تا حدود دو برابر افزایش یابد (امیر تاش، ۱۳۸۳: صص ۵۱-۳۷). از طرفی، با تغییراتی که در عرصه کار و صنعت صورت گرفته است، شکل و میزان اوقات فراغت متحول شده و کارکردهای متنوعی پیدا کرده است، به طوری که از یک طرف، در زندگی روزمره دختران اهمیتی روزافزون یافته است و از طرف دیگر، مسأله آفرین شده است. مسأله تغییراتی که در کارکردهای اصلی اوقات فراغت - یعنی استراحت و رفع خستگی، تجدید قوا و تمدد اعصاب، شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها، تفریح و سرگرمی، رشد فکری و فرهنگی و ارتقای آگاهی‌ها - شاهد هستیم، پیامدها و تبعات گسترده‌ای داشته است. پژوهشگران عرصه اوقات

فراغت، پیامدهای مسأله اوقات فراغت را در تضادهای ارزشی، شکاف نسلی، ناآرامی، نیاز به هیجان، ناتوانی از تنها ماندن، فقدان انضباط شخصی، کسالت، خستگی مفرط و فقدان تجربه بازی و ... می‌دانند. به عقیده آنان، عمده تهدیدی که در فراغت وجود دارد، به دلیل استفاده نامعقول از آن است (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶: ص ۵۱). مطالعاتی که در حوزه جامعه‌شناسی اوقات فراغت انجام شده است نشان می‌دهد که اساساً اوقات فراغت، مسأله آفرین نیست، بلکه بعضی از انواع اجرای اوقات فراغت مسأله آفرین است. یکی از الگوهای مسأله آفرین گذران اوقات فراغت، الگوی اوقات فراغت خانه محور، فردی و خصوصی شده است (Abercombie & et al, 2000:p341). این الگو، از جمله الگوهای رایج در بسیاری از کشورها است که باعث بروز مسائل متعددی گردیده است (رک. سعیدی، ۱۳۸۳). اوقات فراغت خانه محور، فردی و خصوصی شده، بر اعتماد بین شخصی^۱، مشارکت اجتماعی^۲ و انسجام اجتماعی تأثیر گذاشته و سرمایه اجتماعی^۳ را کاهش می‌دهد (غفاری، ۱۳۸۷: صص ۹۴-۷۷). زیرا افراد بیشتر به آیین‌های شخصی گرایش می‌یابند (سلولی شدن جامعه و سلولی شدن خانواده). در این صورت خانواده‌ها تک‌تک هستند و ارتباطات شبکه‌ای بین اعضای خانواده وجود ندارد. افراد سعی می‌کنند انفرادی از اعمال خودشان لذت ببرند. جامعه‌ای که رفتارهای فردی و فراغت‌های خانه محور دارد، رفتارهای فردگرا ترجیح پیدا می‌کند. فراغت خانه محور موجب سنت‌زدایی است؛ زیرا یکی از ویژگی‌های سنت، برگزاری آیین‌های جمعی است. در فرهنگ‌های سنتی که بیشتر فعالیت‌های دختران در درون خانواده صورت می‌گیرد، رسیدگی به کارهای خانگی مجال کمتری برای گذران اوقات فراغت در بیرون از خانواده باقی

1-Inter personal trust
2-Social participation
3-Social capital

گذاشته است که این موضوع بر سرمایه اجتماعی برون خانواده دختران اثرگذار است. همچنین باتوجه به فضای حاکم بر جامعه ایران و اینکه دختران بیشتر ساعات خود را در کنار خانواده می‌باشند، والدین باید تلاش نمایند اوقات فراغت فرزندان خود را به سمت الگوهای فراغت «خانواده محور» سوق دهند. در این الگو اعضای خانواده ساعات فراغت را در کنار هم و در راستای شادی‌های جمعی و خانوادگی و اهداف جمعی می‌گذرانند که این رویه باعث تقویت پیوندهای عاطفی اعضای خانواده و افزایش سرمایه اجتماعی درون خانواده دختران می‌گردد.

در سال‌های اخیر، برنامه‌های اوقات فراغت تابستان از سوی دستگاه‌های مختلف فرهنگی و اجرایی پیشنهاد و اجرا گردیده است. این برنامه‌ها عمدتاً برای اصلاح پاره‌ای از رویدادهای اجتماعی منفی (عوامل اجتماعی نامطلوب) حاصل از گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان مانند عدم مشارکت اجتماعی، کاهش میزان دینداری، فاصله نسل‌های پس از انقلاب اسلامی از تاریخ انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و از طریق مداخله در فرآیندهای پیدایی آنها وضع شده است. بی‌تردید بهبود کیفیت گذران اوقات فراغت جوانان نیازمند مدیریت اوقات فراغت است. در این مدیریت سه عامل اساسی نیازسنجی، رغبت‌سنجی و اثرسنجی حائز اهمیت است. غنی‌سازی این اوقات، در راستای تقویت هویت دینی، ملی و فرهنگی و توسعه آگاهی‌ها جوانان در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی باتوجه به مقتضیات سن نوجوانی و جوانی در گستره مدیریت اوقات فراغت است. همچنین لازم است برنامه‌های اجرایی دستگاه‌ها جهت اوقات فراغت جوانان از منظر کارایی و اثربخشی سنجیده شود. بدین جهت سؤال این است که اثر بخشی این برنامه‌ها چه قدر باید افزایش یابد تا بتوان حقانیت این برنامه‌ها را توجیه کرد؟ تجربیات برخی کشورها نشان داده است که شرایط و عوامل مختلف

می‌تواند منجر به شکست و عدم موفقیت برنامه‌ریزی‌ها در زمینه‌های مختلف از جمله برنامه‌های بهبود گذران اوقات فراغت گردد.

۲) اهمیت پژوهش

با تهیه و تنظیم و اجرای برنامه، کار برنامه‌ریزی پایان نمی‌پذیرد. یک برنامه‌ریزی باید دربرگیرنده ارزشیابی^۱ نیز باشد. ارزشیابی امکان می‌دهد تا بتوان از چگونگی پیشرفت برنامه و به طور کلی از نتایج مثبت و منفی برنامه آگاه گردید و در این مرحله است که مدیریت، اطلاعات لازم را درباره اختلاف بین برنامه تنظیم شده و آنچه که عملاً از اجرای برنامه به عمل آمده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و ارزیابی نمود. این شناخت و کاربرد آن در بهبود و بالا بردن کیفیت برنامه‌ریزی، اثر قابل توجهی به جا می‌گذارد (آسایش، ۱۳۸۳: ص ۱۵).

اوقات فراغت به عنوان یک الگوی منظم رفتاری، خود را به افراد جامعه تحمیل می‌کند و در مقیاس یک نهاد اجتماعی^۲ کارکردهای متفاوتی دارد. بر این اساس به عنوان یک نهاد اجتماعی، نیازهای اجتماعی افراد جامعه را تأمین می‌کند و گذران «مناسب» اوقات فراغت وسیله‌ای مؤثر برای پرورش توان فکری، جسمی و اخلاقی افراد بوده و عاملی برای جلوگیری از کجروی‌های اجتماعی و اخلاقی است (تندنویس، ۱۳۷۸: صص ۹۴-۱۱۰). آسیب‌پذیری مناطق و شهرها و درک عمیق اهمیت و ضروری بودن پرکردن کیفی و کمی اوقات فراغت برای سلامت جامعه به برنامه‌ریزان اجتماعی امکان می‌دهد دست به طراحی برنامه‌هایی مناسب برای جامعه بزنند. این مهم، مستلزم مطالعه،

1-Evaluation
2-Social institution

پژوهش و اثرسنجی است. پژوهش حاضر، با هدف سنجش اثربخشی برنامه‌های اوقات فراغت دختران، نقاط ضعف و قوت برنامه‌های اجرایی سازمان تبلیغات اسلامی استان خراسان شمالی را مشخص می‌کند تا در جهت رفع کمبودها و نقایص، اقدامات اساسی صورت پذیرد.

۳) هدف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، سنجش اثربخشی برنامه‌های اوقات فراغت دختران دانش‌آموز استان خراسان شمالی که توسط سازمان تبلیغات اسلامی این استان انجام شده است. به عبارت دیگر، هدف اصلی پژوهش، آگاهی یافتن از تأثیر مداخله^۱ اجتماعی بر جهان واقعی و مشخص کردن موفقیت یا شکست مداخله اجتماعی است، فرآیندی که تعیین می‌کند نتیجه مطلوب به دست آمده است یا خیر.

۴) چارچوب نظری

از میان انبوه نظریه‌های اوقات فراغت می‌توان به سه نظریه نسبتاً متمایز از یکدیگر اشاره کرد: اوقات فراغت از دیدگاه زمانی، اوقات فراغت به معنای فعالیت و اوقات فراغت به معنای حالتی از بودن (تورکیدسن، ۱۳۸۲: صص ۷۴-۳۱). نظریه اول، اوقات فراغت را به منزله وقت آزادی تعریف می‌کند که پس از پرداختن به ضروریات عملی زندگی باقی می‌ماند. این تعریف، اوقات فراغت را وقت آزادی می‌داند که فرد در آن اوقاتش را آن‌طور که مایل است می‌گذراند؛ هوگو ون در پل^۲ اوقات فراغت را

1-Intervention
2-Hugo van der Poel

از زمان‌هایی که انسان به دنبال نیازهای ضروری زندگی است جدا می‌کند و آن را زمانی می‌داند که فرد می‌تواند آزادانه فعالیت‌های خود را انجام دهد (Cf. Rojek, 2006). به نظر پارکر^۱، وقت آزاد وقتی است که پس از پرداختن به همه اموری که تفریح به حساب نمی‌آید، باقی مانده باشد. در این معنا، ملاک زمان فراغت، انجام اموری است که تفریح به شمار می‌آید. به عقیده برایت بیل، اوقات فراغت زمانی است که به صلاح‌دید و انتخاب خود فرد مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این معنا، فراغت، زمانی است که به صلاح‌دید و انتخاب خود فرد سپری می‌شود. گرین^۲ معتقد است کمبود زمان و محدودیت انتخاب گزینه‌های اوقات فراغت دختران و زنان، در نتیجه تأثیر جنسیت بر اوقات است. به زعم کلارک و کریچر^۳، زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند و دامنه گزینه‌های فراغتی آنان محدودتر است و بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و خانواده می‌گذرانند (Green & et al, 1990: p136-138) اوقات فراغت زنان از نظر زمان، فعالیت و فضا محدود است. آنها وقت کمی برای فراغت دارند، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که زنان می‌توانند در آنجا به فعالیت‌های فراغتی بپردازند محدود است و در واقع گزینه‌های اوقات فراغت آنها دچار محدودیت است. برای زنان، ترسیم خط میان کار و فراغت دشوار است و در نظر گرفتن فراغت به منزله وقت آزاد با تجربه بیشتر زنان بیگانه است (رک. هی‌وود و همکاران، ۱۳۸۰) نظریه دوم این است که اوقات فراغت از فعالیت‌هایی تشکیل یافته است که آموزنده و آگاهی بخش است. از این منظر، اوقات فراغت فعالیت‌های زیادی را دربرمی‌گیرد. پیاده‌روی، تماشای تلویزیون،

1-Parker

2-Green

3-Clark and Critcher

گوش دادن به موسیقی، رفتن به رستوران، بازی با کامپیوتر، دیدار از دوستان و محله‌ها، انواع ورزش‌ها، هنر، کارهای باغبانی، ملاقات دوستان در مسجد و مطالعه می‌توانند فعالیت فراغتی محسوب شود. کاپلان^۱ با توصیف اوقات فراغت به منزله فعالیتی متمایز از کار به عنوان هدف به آن نگاه می‌کند و فراغت را شامل شماری از فعالیت‌ها می‌داند که ممکن است فرد به اختیار خود در آنها برای استراحت، سرگرم ساختن خود، افزودن به دانش خود یا توسعه مهارت‌هایش بهره‌گیرد. دومازیه اصطلاح «نیمه فراغت» را برای فعالیت‌هایی وضع کرده است که شخص مجبور به انجام آنها است، اما در هنگام انجام، رضایت خاطر او را فراهم می‌کند. گرین معتقد است جنسیتی شدن حوزه اجتماعی بر طیف فعالیت‌های تفریحی مؤثر بوده و حتی تفریحات درون منزل نیز با جنسیت در ارتباط است. از نظر او، دختران و زنان کمتر در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند و وضعیت فعالیت نامساعدی دارند (Green & et al, 1990:P190-192). استانلی و گریگوری معتقدند که ترس زنان از مورد آزار قرارگرفتن در فضاهای فراغتی، عامل مهمی در محدودیت فعالیت‌های فراغتی زنان است. از نظر تاریخی، پسران بیشتر به فعالیت‌های ورزشی تمایل نشان می‌دهند، چرا که به لحاظ اجتماعی برای فعالیت‌های ورزشی پسران، فرصت و بهای بیشتری صرف می‌شود و در نتیجه دختران انگیزه کمتری برای پرداختن به فعالیت‌های ورزشی خواهند داشت. در مورد برخی از فعالیت‌های فراغتی مثل رفتن به سینما یا پارک، تفاوت چندانی بین مردان و زنان دیده نمی‌شود، اما غالب فعالیت‌های ورزشی به استثنای یوگا و نرمش‌های هوازی تحت تسلط مردان قرار دارد (هی وود و همکاران، ۱۳۸۰: ص ۱۹۶). در نظریه سوم، مطابق الگوی انسان شناختی،

1-Kaplan

اوقات فراغت فی نفسه هدف تلقی می‌شود و حالتی از بودن است. پی یر معتقد است اوقات فراغت نتیجه ساده و اجتناب ناپذیر عوامل خارجی یا وقت آزاد نیست، بلکه در درجه اول یک نوع طرز فکر و یک حالت روحی- روانی است. فراغت یا فارغ بودن در این معنا «حالت آرام یک وقار فکورانه» است. دوگرازی^۱ فراغت را به معنای رها بودن از ضرورت‌های زندگی روزمره می‌داند. او معتقد است که ذهنیت نگاه کردن به ساعت، شتابی بی روح و اعمالی غیر فکورانه را به وجود می‌آورد. به زعم او، فراغت، مردان و زنان را به کمال رسانده و دریچه‌ای را به آینده می‌گشاید (تورکیدسن، ۱۳۸۲: صص ۷۴-۳۱).

در پژوهش‌های ارزشیابی مروری بر سایر مطالعات صورت نمی‌گیرد. زیرا هدف، ایجاد زمینه‌ای برای تحقیق فعلی و یا استفاده از آن به عنوان چهارچوب مفهومی و یا تأیید و رد یافته‌های پیشین نیست.

۵) فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین میزان دینداری دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۲- بین میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.

۳- بین میزان آشنایی دانش آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمائی با انقلاب اسلامی قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.

۴- بین میزان آشنایی دانش آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمائی با اندیشه‌های امام خمینی(ره) قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.

۵- بین میزان نشاط و شادابی دانش آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمائی قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.

۶- بین میزان دینداری دانش آموزان دختر مقطع تحصیلی دبیرستان قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.

۶) روش شناسی پژوهش

۶-۱) روش پژوهش

از حیث طرح پژوهش، روش پژوهش حاضر، ارزشیابی با استفاده از طرح آزمایش شبه پانل^۱ است. پژوهش ارزشیابی مستلزم نوعی مبنای مقایسه برای تعیین موفقیت و شکست موضوع مورد ارزشیابی است و همین، دلیل اصلی رواج طرح‌های آزمایشی است (بیکر، ۱۳۸۳: ص ۳۵۲). ارزشیابی، بررسی سیستماتیک یک موضوع (Trochim & Dannelly, 2006:P39-42) و راهی برای بهبود و اثربخش کردن برنامه از طریق بکارگیری روش‌های درست و دقیق است (ادیب حاج باقری، ۱۳۸۱: صص ۹-۷). در

آزمایش، اثرات دخالت‌های گوناگون مقایسه می‌شود. اگر این دخالت‌ها طی مراحل آزمایش مناسبی صورت گرفته باشد، می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت این دخالت (متغیر مستقل)، موجب اثری بر جنبه‌هایی از آزمودنی (متغیر وابسته) بوده است (بونوی فیس، ۱۳۷۹:ص ۳). از حیث هدف، پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی است و از حیث ماهیت داده‌ها، در زمره پژوهش‌های کمی است و به لحاظ معیار ژرفایی، از نوع پنهانگر است.

۲-۶) جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل کلیه دختران مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمائی و متوسطه شرکت کننده در برنامه اوقات فراغت تابستان سال ۱۳۸۷ سازمان تبلیغات اسلامی در استان خراسان شمالی است.

در این پژوهش، تکنیک اصلی در انتخاب نمونه آماری، تحلیل خوشه‌ای^۱ است. در ابتدا با استفاده از نرم افزار تحلیل آماری SPSS و بر اساس ویژگی تعداد جمعیت افراد شرکت کننده هر شهرستان در برنامه، شهرستان‌های استان را در سه خوشه طبقه‌بندی کرده و سپس با روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای چند مرحله‌ای طبقه‌بندی شده متناسب از میان هر یک از خوشه‌ها یک شهرستان را انتخاب نموده و در مرحله بعد به ترتیب سلسله مراتبی از میان شهرها، روستاها و پایگاه‌ها تعدادی از افراد انتخاب گردیدند. به منظور نمونه‌گیری، با روش نمونه‌گیری احتمالی «خوشه‌ای چند مرحله‌ای طبقه بندی شده متناسب» بنا به فرمول کوکران به ترتیب سلسله مراتبی از میان شهرها، روستاها و پایگاه‌ها در قبل از اجرای برنامه، تعداد ۳۵۲ نفر (شامل ۱۸۳ نفر از دختران

مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی و ۱۶۹ نفر از دختران مقطع تحصیلی متوسطه) به طور تصادفی انتخاب شدند و بعد از اجرای برنامه، با توجه به انصراف تعدادی از شرکت کنندگان در طی اجرای برنامه و کاهش حجم جامعه آماری، تعداد ۲۳۱ نفر (شامل ۱۳۰ نفر از دختران مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی و ۱۰۱ نفر از دختران مقطع تحصیلی متوسطه) بطور تصادفی انتخاب شدند.

۳-۶) ابزار گردآوری داده ها

ابزار اصلی پژوهش حاضر، پرسشنامه ساختمان است که جهت سنجش متغیرهای وابسته طراحی شده است.

۴-۶) روایی و پایایی

روایی ابزار اندازه گیری یاد شده از طریق روایی محتوایی^۱ تعیین گردیده است. برای دستیابی به روایی محتوایی پرسشنامه، فرآیند زیر طی شده است:

در مرحله اول، با مطالعه و بررسی ادبیات موجود، دامنه کاملی از محتوای هر یک از متغیرهای دینداری، مشارکت اجتماعی، فرح بخشی (شادابی و نشاط)، آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آشنایی با انقلاب اسلامی مشخص گردید و سپس تقسیم بندی جزئی‌تر ابعاد هر یک از متغیرها نیز صورت گرفت. در مرحله دوم، از آنجا که گنجاندن همه محتوای متغیرهای یاد شده در یک پرسشنامه، غیرعملی است، از دامنه کاملی که برای محتوای هر یک از متغیرهای یاد شده و نیز تقسیم بندی جزئی‌تر ابعاد آنها مشخص گردیده بود، به شیوه تصادفی نمونه گیری انجام شد. در مرحله سوم، محتوای هر یک از متغیرهای یاد شده نمونه گیری شده، به شکل قابل آزمون مرتب گردید

که به موجب آن پاسخ‌گو یکی از گزینه‌ها را انتخاب می‌نمود (کارمینز و زلر، ۱۳۸۶: صص ۲۷ - ۲۶).

برای تعیین روایی پرسشنامه، پس از طرح سؤالات، پرسشنامه در اختیار تعدادی از افراد متخصص شامل اساتید و دانشجویان دکترای دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران قرار گرفت و دیدگاه‌های اصلاحی آنان اخذ گردید و بدین شکل روایی محتوایی پرسشنامه تعیین شد.

سنجش ضرایب پایایی آلفای کرونباخ برای ابعاد مختلف مقیاس‌ها که با استفاده از نرم افزار تحلیل آماری SPSS محاسبه شده است به شرح جدول ذیل است.

جدول شماره (۱): جدول ضرایب پایایی آلفای کرونباخ

مقطع تحصیلی	مقیاس	ابعاد	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه ها	
ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی	دینداری	اعتقادی	۸۹/۵	۴	
		مناسکی	۸۸/۴	۵	
		عاطفی	۷۶/۹	۵	
		فکری	۷۵/۳	۵	
		پیامدی	۷۶/۶	۶	
	مشارکت اجتماعی	تمایل به مشارکت	۸۳/۰	۵	
		تمایل به کسب منافع جمعی	۷۲/۷	۳	
		عضویت در مجامع	۸۲/۴	۴	
		شرکت در مراسم	۷۷/۰	۳	
		شرکت در تصمیم گیری	۷۵/۷	۴	
	فرح بخشی	-	۸۵/۸	۲۸	
	آشنایی با اندیشه های امام خمینی (ره)	اندیشه اقتصادی	۷۱/۵	۲	
		اندیشه سیاسی	۷۴/۸	۲	
		اندیشه اجتماعی	۸۱/۸	۲	
		اندیشه فرهنگی	۷۰/۹	۴	
	آشنایی با انقلاب اسلامی	قبل از انقلاب	۷۶/۸	۱۲	
		بعد از انقلاب	۷۷/۲	۱۵	
	متوسطه	دینداری	اعتقادی	۹۲/۰	۵
			مناسکی	۷۷/۹	۶
عاطفی			۸۳/۳	۷	
فکری			۷۸/۵	۵	
پیامدی			۷۲/۱	۸	

در جدول شماره ۱ مشاهده می شود که ضریب همابستگی درونی گویه های تشکیل دهنده ابعاد مختلف مقیاس دینداری دانش آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی شامل بر پنج بعد اعتقادی، مناسکی، عاطفی، فکری و پیامدی به

ترتیب برابر با ۸۹/۵ ، ۸۸/۴ ، ۷۶/۹ ، ۷۵/۳ و ۷۶/۶ است و لذا از سطح پایایی قابل قبولی برخوردار است. ضریب همابستگی درونی گویه‌های تشکیل دهنده ابعاد مختلف مقیاس مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمائی مشتمل بر تمایل به مشارکت، تمایل به کسب منافع جمعی، عضویت در مجامع، عضویت در مجامع، شرکت در مراسم و شرکت در تصمیم‌گیری به ترتیب برابر با ۸۳/۰ ، ۷۲/۷ ، ۸۲/۴ ، ۷۷/۰ و ۷۵/۷ بوده و سطح پایایی بالایی دارد. همچنین، ضریب همابستگی درونی گویه‌های تشکیل دهنده مقیاس فرح بخشی (شادابی و نشاط) دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمائی برابر ۸۵/۸ بوده و از سطح پایایی قابل قبولی برخوردار است. ضریب همابستگی درونی گویه‌های تشکیل دهنده ابعاد مختلف مقیاس آشنایی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمائی با اندیشه امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی بیشتر از ۷۰ درصد بوده و بنابراین، از سطح پایایی قابل قبولی برخوردار است. علاوه بر این، ضریب همابستگی درونی گویه‌های تشکیل دهنده ابعاد مختلف مقیاس دینداری دختران مقطع تحصیلی متوسطه که دربرگیرنده پنج بعد اعتقادی، مناسکی، عاطفی، فکری و پیامدی است به ترتیب برابر با ۹۲/۰ ، ۷۷/۹ ، ۸۳/۳ ، ۷۸/۵ و ۷۲/۱ بوده و از سطح پایایی بالایی برخوردار است.

۵-۶) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، واحد تحلیل، فرد است و سطح تحلیل نیز خرد است. داده‌های بدست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و تحت آزمون

معناداری ناپارامتریک ویلکاکسون^۱ در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تحلیل قرار گرفته است. آزمون ویلکاکسون قادر است وضعیت دو گروه را در متغیری که در سطح رتبه‌ای است، مورد ارزیابی قرار دهد. این آزمون به ویژه در مواردی به کار گرفته می‌شود که بخواهیم جهت و میزان تغییر نظرات قبلی و بعدی افراد را مورد مقایسه و بررسی قرار دهیم (حسینی، ۱۳۸۲: ص ۱۴۷).

۷) یافته‌ها و نتایج

در پژوهش حاضر، تعداد نمونه آماری ۵۸۳ نفر بوده است. در جدول زیر توزیع فراوانی دانش آموزان مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی قبل و بعد از اجرای برنامه نشان داده شده است.

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی نمونه آماری قبل و بعد از اجرای برنامه

تعداد کل	دانش آموزان مقطع تحصیلی متوسطه	دانش آموزان مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی	
۳۵۲	۱۶۹	۱۸۳	قبل از اجرای برنامه
۲۳۱	۱۰۱	۱۳۰	بعد از اجرای برنامه
۵۸۳	۲۷۰	۳۱۳	تعداد کل

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، الف) در قبل از اجرای برنامه تعداد ۳۵۲ نفر انتخاب شده‌اند؛ به طوری که حجم نمونه آماری دانش آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی ۱۸۳ نفر و حجم نمونه آماری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه ۱۶۹ نفر بوده است. ب) بعد از اجرای برنامه تعداد ۲۳۱ نفر از دانش آموزان دختر انتخاب شده‌اند. با توجه به انصراف تعدادی از دانش آموزان دختر

مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی از ادامه شرکت در برنامه و کاهش حجم جامعه آماری، حجم نمونه آماری کاهش یافته و به ۱۳۰ نفر رسیده است. همچنین، با توجه به انصراف تعدادی از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه از ادامه شرکت در برنامه، حجم نمونه آماری کاهش یافته و به ۱۰۱ نفر تقلیل یافته است.

در جدول زیر، توزیع فراوانی درصدی متغیرهای دینداری، مشارکت اجتماعی، فرح بخشی (نشاط و شادابی)، آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در میان دانش‌آموزان دختر در قبل و بعد از اجرای برنامه نشان داده شده است.

جدول شماره (۳): درصد فراوانی داده‌ها در قبل و بعد از اجرای برنامه

مقطع تحصیلی	متغیرها	سطوح	بعد از اجرای برنامه	قبل از اجرای برنامه
ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی	دینداری	پایین	۰	۰
		متوسط	۴/۴	۶/۴
		بالا	۹۵/۶	۹۳/۶
	مشارکت اجتماعی	پایین	۲۲/۳	۲۴
		متوسط	۶۱/۵	۶۳/۴
		بالا	۱۶/۲	۱۲/۶
	فرح بخشی (نشاط و شادابی)	پایین	۲۱/۵	۸/۷
		متوسط	۴۸/۵	۶۳/۴
		بالا	۳۰	۲۷/۹
	آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی (ره)	پایین	۱۴/۶	۱۵/۳
		متوسط	۲۳/۱	۳۷/۷
		بالا	۶۲/۳	۴۷
	آشنایی با انقلاب اسلامی	پایین	۱۱/۵	۱۶/۴
		متوسط	۳۸/۵	۴۷
		بالا	۵۰	۳۶/۶
متوسطه	دینداری	پایین	۰	۰
		متوسط	۳/۴	۵/۹
		بالا	۹۶/۶	۹۴/۱

بنا بر نتایج جدول ۳:

الف) در قبل از اجرای برنامه، هیچ یک از دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی دینداری پایین نداشته‌اند. ۶/۴ درصد آنان دینداری متوسطی داشته‌اند. ۹۳/۶ درصد آنان نیز دینداری بالایی داشته‌اند.

۲۴ درصد از دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی مشارکت اجتماعی پایین داشته‌اند. ۶۳/۴ درصد آنان مشارکت اجتماعی متوسطی داشته و ۱۲/۶ درصد آنان نیز دارای مشارکت اجتماعی بالایی بوده‌اند. ۲۱/۵ درصد از دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی نشاط و شادابی پایین، ۴۸/۵ درصد آنان نشاط و شادابی متوسط و ۳۰/۰ درصد آنان نیز نشاط و شادابی بالایی داشته‌اند. ۱۵/۳ درصد از آنان آشنایی پایینی با اندیشه‌های امام خمینی (ره) داشته‌اند. ۳۷/۷ درصد آنان آشنایی متوسطی داشته و ۴۷/۰ درصد نیز دارای آشنایی بالایی بوده‌اند. ۱۶/۴ درصد از دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی آشنایی پایینی با انقلاب اسلامی داشته، ۴۷/۰ درصد آنان آشنایی متوسطی داشته و ۳۶/۶ درصد آنان نیز از آشنایی بالایی برخوردار بوده‌اند. همچنین، در قبل از اجرای برنامه، هیچ یک از دانش‌آموزان دختر مقطع تحصیلی متوسطه دینداری پایین نداشته‌اند، ۵/۹ درصد آنان دینداری متوسطی داشته و ۹۴/۱ درصد آنان نیز دینداری بالایی داشته‌اند.

ب) در بعد از اجرای برنامه، هیچ یک از دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی دینداری پایین نداشته‌اند. ۴/۴ درصد آنان دینداری متوسطی داشته‌اند. ۹۵/۶ درصد آنان نیز دینداری بالایی داشته‌اند. ۲۲/۳ درصد از دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی مشارکت اجتماعی پایین داشته‌اند. ۶۱/۵ درصد آنان مشارکت اجتماعی متوسطی داشته و ۱۶/۲ درصد آنان نیز

دارای مشارکت اجتماعی بالایی بوده‌اند. $21/5$ درصد از دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی نشاط و شادابی پایین، $48/5$ درصد آنان نشاط و شادابی متوسط و $30/0$ درصد آنان نیز نشاط و شادابی بالایی داشته‌اند. $14/6$ درصد از آنان آشنایی پایینی با اندیشه‌های امام خمینی (ره) داشته‌اند. $23/1$ درصد آنان آشنایی متوسطی داشته و $62/3$ درصد نیز دارای آشنایی بالایی بوده‌اند. $11/5$ درصد از دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی آشنایی پایینی با انقلاب اسلامی داشته، $38/5$ درصد آنان آشنایی متوسطی داشته و $50/0$ درصد آنان نیز از آشنایی بالایی برخوردار بوده‌اند. همچنین، در بعد از اجرای برنامه، هیچ یک از دانش‌آموزان دختر مقطع تحصیلی متوسطه دینداری پایین نداشته‌اند، $3/4$ درصد آنان دینداری متوسطی داشته و $96/6$ درصد آنان نیز دینداری بالایی داشته‌اند.

۷-۱) آزمون فرضیه‌ها

فرضیه ۱- بین میزان دینداری دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدایی (سوم تا پنجم) و راهنمایی قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.

در جداول زیر، بر اساس اجرای آزمون ویلکاکسون تعداد و میانگین رتبه دانش‌آموزانی که نمره‌شان در قبل و بعد از اجرای برنامه افزایش، کاهش یا ثابت مانده است، آورده شده است. همچنین، مقدار Z و سطح معناداری آماره آزمون ویلکاکسون محاسبه شده است. در جداول زیر، هر یک از نمادهای الف، ب و ج برابر است با: الف. بعد از اجرای برنامه بیشتر از قبل از اجرای برنامه، ب. بعد از اجرای برنامه کمتر از قبل از اجرای برنامه، ج. بعد از اجرای برنامه مساوی با قبل از اجرای برنامه.

جدول شماره (۴): رتبه‌های دینداری دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا

پنجم) و راهنمایی برای اجرای آزمون ویلکاکسون

مجموع رتبه	میانگین رتبه	تعداد		
۴۹	۷	۷ (الف)	رتبه های مثبت	قبل از اجرای برنامه - بعد از اجرای برنامه
۴۲	۷	۶ (ب)	رتبه های منفی	
		۱۱۷ (ج)	رتبه های ثابت	
		۱۳۰	کل	

جدول شماره (۵): مقدار Z و سطح معناداری دینداری دانش‌آموزان دختر مقاطع

تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی

بعد از اجرای برنامه - قبل از اجرای برنامه	
۲/۲۷۷	Z
۰/۰۰۲	سطح معناداری

مطابق با جداول ۴ و ۵، بعد از اجرای برنامه رتبه دینداری ۷ نفر از دانش‌آموزان افزایش یافته، ۶ نفر کاهش یافته و ۱۱۷ نفر ثابت مانده است. همچنین، قدر مطلق مقدار Z محاسبه شده برابر ۲/۲۷۷ بوده و بیشتر از ۱/۹۶ است و می‌توان نتیجه گرفت که میزان دینداری دانش‌آموزان در قبل و بعد از اجرای برنامه متفاوت است. علاوه بر این، بر اساس جدول ۵، مقدار معناداری برابر ۰/۰۰۲ و لذا کمتر از ۰/۰۵ و نیز ۰/۰۱ است و بنابراین، فرض صفر (H_0) در سطح معناداری ۰/۰۵ و نیز ۰/۰۱ رد می‌شود و با ۰/۹۹ اطمینان می‌توان تفاوت دینداری دانش‌آموزان را در قبل و بعد از اجرای برنامه نتیجه گرفت و نتیجه حاصل را به جامعه آماری تعمیم داد. به عبارت دیگر، برنامه اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر اثربخش بوده و جهت این تأثیر مثبت است.

فرضیه ۲- بین میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.

در جداول زیر، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های فرضیه دوم نشان داده شده است.
 جدول شماره (۶): رتبه‌های مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی برای اجرای آزمون ویلکاکسون

مجموع رتبه	میانگین رتبه	تعداد		
۱۱۳۹	۳۳	۳۵ (الف)	رتبه‌های مثبت	قبل از اجرای برنامه - بعد از اجرای برنامه
۱۲۰۷	۳۵	۳۳ (ب)	رتبه‌های منفی	
		۶۲ (ج)	رتبه‌های ثابت	
		۱۳۰	کل	

جدول شماره (۷): مقدار Z و سطح معناداری مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی

	بعد از اجرای برنامه - قبل از اجرای برنامه
Z	۲/۲۲۶
سطح معناداری	۰/۰۲۱

چنانکه در جداول ۶ و ۷ مشاهده می‌شود، بعد از اجرای برنامه رتبه مشارکت اجتماعی ۳۵ نفر از دانش‌آموزان افزایش یافته، ۳۳ نفر کاهش یافته و ۶۲ نفر ثابت مانده است. قدر مطلق مقدار Z محاسبه شده برابر ۲/۲۲۶ بوده و بیشتر از ۱/۹۶ است. علاوه

بر این، مقدار معناداری برابر $0/021$ و لذا کمتر از $0/05$ است و بنابراین، فرض صفر (H_0) در سطح معناداری $0/05$ رد می‌شود و با $0/95$ اطمینان می‌توان تفاوت مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان را در قبل و بعد از اجرای برنامه نتیجه گرفت و نتیجه حاصل را به جامعه آماری تعمیم داد. به عبارت دیگر، برنامه اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر ضمن دارا بودن تأثیر مثبت، اثربخش بوده است.

فرضیه ۳- بین میزان آشنایی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی با انقلاب اسلامی قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.

در جداول زیر، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه سوم آمده است. جدول شماره (۸): رتبه‌های آشنایی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی

با انقلاب اسلامی برای اجرای آزمون ویلکاکسون

رتبه	میانگین رتبه	تعداد	رتبه‌های مثبت	رتبه‌های منفی	رتبه‌های ثابت	کل
۲۴۶۸	۴۵	۵۴ (الف)	رتبه‌های مثبت	رتبه‌های منفی	رتبه‌های ثابت	۱۳۰
۱۵۳۶	۴۴	۳۵ (ب)	رتبه‌های مثبت	رتبه‌های منفی	رتبه‌های ثابت	۱۳۰
		۴۱ (ج)	رتبه‌های مثبت	رتبه‌های منفی	رتبه‌های ثابت	۱۳۰
		۱۳۰	رتبه‌های مثبت	رتبه‌های منفی	رتبه‌های ثابت	۱۳۰

جدول شماره (۹): مقدار Z و سطح معناداری آشنایی دانش‌آموزان دختر مقاطع

تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی با انقلاب اسلامی

بعد از اجرای برنامه - قبل از اجرای برنامه	Z
۲/۰۲۹	Z
۰/۰۴۲	سطح معناداری

در جداول ۸ و ۹، بعد از اجرای برنامه رتبه آشنایی با انقلاب اسلامی در ۳۵ نفر از دانش‌آموزان کاهش یافته، در ۵۴ نفر افزایش یافته و در ۴۱ نفر ثابت مانده است. قدر مطلق مقدار Z محاسبه شده برابر $2/029$ بوده و بیشتر از $1/96$ است. علاوه بر این، مقدار معناداری برابر $0/042$ و لذا کمتر از $0/05$ است و بنابراین، فرض صفر (H_0) در سطح معناداری $0/05$ رد می‌شود و با $0/95$ اطمینان می‌توان تفاوت میزان آشنایی دانش‌آموزان با انقلاب اسلامی را در قبل و بعد از اجرای برنامه به جامعه آماری تعمیم داد. لذا می‌توان گفت، برنامه اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر اثربخش بوده و تأثیر مثبت داشته است.

فرضیه ۴- بین میزان آشنایی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی با اندیشه‌های امام خمینی (ره) قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر معناداری وجود دارد.

در جداول زیر، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های فرضیه چهارم نشان داده شده است.

جدول شماره (۱۰): رتبه های آشنایی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا

پنجم) و راهنمایی با اندیشه‌های امام (ره) برای اجرای آزمون ویلکاکسون

مجموع رتبه	میانگین رتبه	تعداد		
۱۸۱۶	۳۷	۴۹ (الف)	رتبه های مثبت	قبل از اجرای برنامه - بعد از اجرای برنامه
۱۱۸۶	۴۲	۲۸ (ب)	رتبه های منفی	
		۵۳ (ج)	رتبه های ثابت	
		۱۳۰	کل	

جدول شماره (۱۱): مقدار Z و سطح معناداری آشنایی دانش‌آموزان دختر مقاطع

تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی با اندیشه‌های امام (ره)

بعد از اجرای برنامه - قبل از اجرای برنامه	
۲/۴۹۹	Z
۰/۰۴۹	سطح معناداری

بنا بر جداول ۱۱ و ۱۲، بعد از اجرای برنامه رتبه آشنایی با اندیشه امام (ره) در ۲۸ نفر از دانش‌آموزان کاهش یافته، در ۴۹ نفر افزایش یافته و در ۵۳ نفر ثابت مانده است. همچنین، قدر مطلق مقدار Z محاسبه شده برابر ۲/۶۹۹ بیشتر از ۱/۹۶ است. مقدار معناداری نیز برابر ۰/۰۴۹ و لذا کمتر از ۰/۰۵ است و بنابراین، فرض صفر (H_0) در سطح معناداری ۰/۰۵ رد می‌شود و با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان تفاوت میزان آشنایی دانش‌آموزان با اندیشه امام خمینی (ره) را در قبل و بعد از اجرای برنامه به جامعه آماری تعمیم داد. به عبارت دیگر، برنامه اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر اثربخش بوده و جهت این تأثیر مثبت است.

فرضیه ۵- بین میزان نشاط و شادابی دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.

در جداول زیر، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه پنجم آمده است.

جدول شماره (۱۲): رتبه های شادابی و نشاط دانش آموزان دختر مقاطع تحصیلی

ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی برای اجرای آزمون ویلکاکسون

مجموع رتبه	میانگین رتبه	تعداد		
۱۴۹۴	۳۶	۴۰ (الف)	رتبه های مثبت	قبل از اجرای برنامه - بعد از اجرای برنامه
۱۱۹۰	۳۵	۳۲ (ب)	رتبه های منفی	
		۵۸ (ج)	رتبه های ثابت	
		۱۳۰	کل	

جدول شماره (۱۳): مقدار Z و سطح معناداری شادابی و نشاط دانش آموزان دختر

مقاطع تحصیلی ابتدائی (سوم تا پنجم) و راهنمایی

بعد از اجرای برنامه - قبل از اجرای برنامه	
۲/۴۹۰	Z
۰/۰۲۲	سطح معناداری

در جداول ۱۲ و ۱۳ مشاهده می شود که بعد از اجرای برنامه رتبه شادابی و نشاط در ۴۰ نفر از دانش آموزان افزایش یافته، در ۳۲ نفر کاهش یافته و در ۵۸ نفر ثابت مانده است. همچنین، قدر مطلق مقدار Z محاسبه شده برابر ۲/۴۹۰ بوده و بیشتر از ۱/۹۶ است. علاوه بر این، مقدار معناداری برابر ۰/۰۲۲ و لذا کمتر از ۰/۰۵ است و بنابراین، فرض صفر (H_0) در سطح معناداری ۰/۰۵ رد می شود و با ۰/۹۵ اطمینان می توان تفاوت میزان شادابی و نشاط دانش آموزان را در قبل و بعد از اجرای برنامه به جامعه آماری تعمیم داد. به عبارت دیگر، برنامه اوقات فراغت دانش آموزان دختر اثربخش بوده و جهت این تأثیر مثبت است.

فرضیه ۶- بین میزان دینداری دانش‌آموزان دختران مقطع تحصیلی متوسطه قبل و پس از اجرای برنامه اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد.

در جداول زیر، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های فرضیه ششم مشاهده می‌شود.
جدول شماره (۱۴): رتبه‌های دینداری دانش‌آموزان دختران مقطع تحصیلی متوسطه

برای اجرای آزمون ویلکاکسون

مجموع رتبه	میانگین رتبه	تعداد		
۱۰۵	۷	۱۴ (ب)	رتبه های مثبت	قبل از اجرای برنامه - بعد از اجرای برنامه
۰	۰	۰ (الف)	رتبه های منفی	
		۸۷ (ج)	رتبه های ثابت	
		۱۰۱	کل	

جدول شماره (۱۵): مقدار Z و سطح معناداری دینداری دانش‌آموزان دختران

مقطع تحصیلی متوسطه

بعد از اجرای برنامه - قبل از اجرای برنامه	Z
۳/۵۵۷	
۰	سطح معناداری

بنا بر جداول ۱۴ و ۱۵، بعد از اجرای برنامه رتبه دینداری در ۱۴ نفر افزایش یافته، در هیچ یک از دختران دانش‌آموز کاهش نیافته و در ۸۷ نفر نیز ثابت مانده است. همچنین، قدر مطلق مقدار Z محاسبه شده برابر ۳/۵۵۷ بوده که بیشتر از ۲/۵۶ است. علاوه بر این، مقدار معناداری برابر صفر و لذا کمتر از ۰/۰۵ و نیز ۰/۰۱ است و بنابراین، فرض صفر (H_0) در سطح معناداری ۰/۰۵ و نیز ۰/۰۱ رد می‌شود و با ۰/۹۹

اطمینان می‌توان تفاوت میزان دینداری دختران دانش‌آموز را در قبل و بعد از اجرای برنامه به جامعه آماری تعمیم داد. به عبارتی، برنامه اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر اثربخش بوده است و جهت این تأثیر نیز مثبت است.

۸) بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف ارزشیابی اثربخشی برنامه‌های اوقات فراغت سازمان تبلیغات اسلامی برای دختران دانش‌آموز در تابستان سال ۱۳۸۷ در استان خراسان شمالی اجرا گردید؛ برنامه‌ای که برای اصلاح پاره‌ای از رویدادهای اجتماعی منفی حاصل از گذران اوقات فراغت مانند عدم مشارکت اجتماعی و کاهش میزان سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان دختر، کاهش میزان دینداری آنان، فاصله نسل سوم دختران پس از انقلاب اسلامی از تاریخ انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و کاهش میزان شادابی و نشاط آنان تدوین و اجرا شده است. نتایج پژوهش نشان داد که نظم اجتماعی چیزی نیست که تنها در محیط کار بتوان از آن بحث کرد یا نسبت به آن حساس بود، بلکه در اوقات فراغت نیز نظم اجتماعی شکل می‌گیرد. بر اساس یافته‌های پژوهش، اوقات فراغت دختران از شکل خانواده محور، فردی و خصوصی شده^۱ به شکل برون خانگی و جمع‌گرایانه^۲ میل کرده است. برنامه‌ریزی صحیح، نظارت و ایجاد تسهیلات لازم در زمینه اوقات فراغت دختران از طریق سازمان ذیربط، محیط و فضایی آزاد و امن را برای دختران فراهم آورده است تا ضمن تأمین اطمینان و آرامش خانواده، دختران بتوانند در

1-Private
2-Collective

فضایی امن و به دور از محدودیت زمانی و گزینشی، به فعالیت‌های فراغتی گسترده بپردازند.

بر اساس نتایج حاصل، میزان دینداری دختران در قبل و بعد از اجرای برنامه متفاوت بوده و برنامه اوقات فراغت اثر مثبت در پی داشت. همچنین، برنامه اوقات فراغت تابستان بر آشنایی دانش‌آموران دختر با انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) تأثیر مثبت داشته است. سایر یافته‌های پژوهش نیز نشان می‌دهد که میزان شادابی و نشاط و مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان دختر در قبل و بعد از اجرای برنامه متفاوت بوده و برنامه اوقات فراغت اثر مثبت در پی داشته است.

بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی دختران فرآیندی دو طرفه است؛ به طوری که هم دختران مشتاق حضور فعال در صحنه‌های اجتماع‌اند و هم مدیران و برنامه ریزان جامعه در پی بسترسازی برای سرمایه اجتماعی دختران از طریق افزایش میزان مشارکت اجتماعی‌اند. فعالیت‌های فراغتی جمع‌گرایانه، به نوبه خود، ضمن تأمین امنیت دختران در محیط و فضای برون‌خانگی، در افزایش مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی تأثیر بسزایی داشته است. در این زمینه، اتخاذ شیوه‌های تشویق مستقیم و غیر مستقیم جهت جلب مشارکت اجتماعی دختران تأثیر شایان توجهی دارد. در مورد جلب مشارکت اجتماعی نوجوانان و جوانان دختر توجه به این امر ضروری است که آنها باید اهداف طرح را درک کنند، بدانند تصمیم‌های مربوط به مشارکت اجتماعی توسط چه کسانی و به چه دلیلی اخذ شده و نقش معنادار - نه ظاهری- در طرح داشته باشند و در مرحله آخر برای انجام آن داوطلب شوند (هارت، ۱۳۸۰: ص ۴۰).

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که کودکان و نوجوانان دختر در کنار فعالیت‌های اجتماعی و کمک به توسعه جامعه، به اولویت‌های تفریحی و سرگرمی^۱ و ورزشی خود نیز توجه داشته‌اند تا قوای ذهنی و جسمی تحلیل رفته خود را بازیابند و آمادگی مجدد برای ایفای نقش سازنده را در جامعه به دست آورند. در زمینه دستیابی به سلامت و شادابی و نشاط کودکان و نوجوانان، برنامه‌ریزی اوقات فراغت نمی‌تواند امری مستقل و بی‌ارتباط با سایر اوقات باشد بلکه باید با برنامه‌های دیگر زندگی ارتباط داشته باشد و مؤید، راهگشا و زمینه‌ساز آن باشد، به طوری که ترغیب دختران به امر ورزش و نیز تأثیر سلامتی و شادابی شان در تأمین سلامت روانی، اجتماعی و فرهنگی خانواده و جامعه، آثار مطلوبی بجا داشته است. دستیابی به این مهم در گرو همکاری نهادهای پزشکی، بکارگیری دانش مدیریت سلامت، توسعه سازمان‌های غیر دولتی و افزایش نقش آنها در برنامه‌ریزی، اجرای پژوهش قبل از برنامه ریزی، شناخت بهتر نیازمندی‌ها و علایق دانش‌آموزان از طریق بکارگیری نظرسنجی و در نهایت استفاده از نظرات آنان است (محسنی، ۱۳۸۲: صص ۳۵۷-۳۱۰). از این رو، در راستای تأمین سلامت جسمی و بهداشت روانی و کسب شادابی و نشاط دختران، جهت‌دهی به برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف گذران اوقات فراغت آنان، ضروری است.

همچنین، نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که فراهم آوردن زمینه‌های اجتماعی مناسب برای فراغت دختران نقش بسزایی در گسترش روابط نسلی دارد. به عبارتی، بر اساس یافته‌های پژوهش، انتقال ارزش‌ها و نگرش‌ها در خصوص انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در میان دختران بر گسترش روابط نسلی تأثیر قابل توجهی دارد. از این رو، شایسته است ارزش‌های انقلابی، اسلامی در جریان

اجتماعی با روشی استدلالی، غیر آمرانه و منطقی به دختران منتقل و در آنان نهادینه گردد. تحقق کارکردهای اوقات فراغت مشروط به فارغ بودن از اجبار و وظایف اجتماعی، نداشتن هدف سودجویانه، احساس رضایتمندی و لذت و انتخاب به نحو آزاد و دلخواه است.

بررسی یافته‌ها نشان داده است که ارائه آموزه‌های دینی متناسب با نیازهای فکری، فرهنگی و اجتماعی دختران در طی اجرای برنامه اوقات فراغت بر افزایش میزان دینداری در میان دانش‌آموزان دختر تأثیر داشته است و اثربخشی این برنامه را به همراه داشته است. در این زمینه، توجه برنامه‌ریزان و اجرا کنندگان برنامه به جهت‌گیری‌های صحیح فکری و اعتقادی به منظور آشنایی دختران با مباحث دینی در قالب‌ها و شیوه‌های جذاب و نوین، تحکیم ایمان و تقویت باور دینی آنان، تأثیر بسزایی در افزایش میزان دینداری دختران داشته است. مسلماً، تکیه بر ارزش‌های دینی سبب مصونیت نسبی دختران در برابر آسیب‌های اجتماعی و به خصوص آسیب‌های فراغتی می‌شود (رفعت‌جاه، ۱۳۸۷: صص ۱۷۱-۱۵۱).

در پایان، با توجه به تغییرات مفهوم و کارکرد اوقات فراغت در جوامع جدید، لازم است در برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن، اقتضائات و ویژگی‌های جامعه جدید مد نظر قرار گیرد و در سازمان دادن آن از رویکردها و ابزارهای نوین استفاده کرد. یکی از رویکرد اساسی در سازماندهی اوقات فراغت دختران، «رویکرد ارتقایی» است که به تأمین حداکثر نیازهای اساسی انسان (مادی و معنوی در عرصه فردی و اجتماعی) اعم از تعالی دینی و اخلاقی، تقویت هویت دینی و ملی، سلامت جسمی و روانی، رشد، استقلال و خودشکوفایی، گسترش دانش و آگاهی، گسترش روابط بین نسلی، گسترش همکاری و مشارکت اجتماعی و حفاظت از میراث فرهنگی و ... نظر دارد. رویکرد

دیگر، «رویکرد تقاضا محور» است. دختران به دلیل وضعیت خاص بیولوژیکی، اجتماعی و عرفی جامعه نیاز به برنامه‌های فراغتی متفاوت از برنامه‌های فراغتی پسران دارند. در این زمینه، هر گونه برنامه ریزی برای اوقات فراغت دختران باید متضمن شناخت اقتضائات، ظرفیت‌ها و انتظارات دوره‌های سنی، سطح تحصیلات، وضعیت فرهنگی - اجتماعی، نیازهای روحی و روانی، مقتضیات محل زندگی، خصوصیات اقلیمی، سنت‌ها، آداب و رسوم محلی و منطقه‌ای آنان باشد.

موفقیت رویکردهای یاد شده منوط به ایجاد هماهنگی و وحدت رویه میان کلیه دستگاه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرایی و نظارتی به منظور استفاده بهینه از توان و امکانات موجود و تبادل تجربیات، اطلاعات و منابع درخصوص اوقات فراغت دختران است.

فهرست منابع

- ◀ آسایش، حسین (۱۳۸۳)، «اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای»، تهران، پیام نور.
- ◀ ادیب حاج باقری، محسن (۱۳۸۱)، «ارزشیابی یک ارزشیابی»، آموزش در علوم پزشکی، ش ۷، صص ۷-۹.
- ◀ امیرتاش، علی محمد (۱۳۸۳)، «فوق برنامه و اوقات فراغت با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی»، المپیک، سال دوازدهم، ش ۲ (پیاپی)، تابستان، صص ۳۷-۵۱.
- ◀ بیبی، ارل (۱۳۸۳)، «روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی»، (رضا فاضل)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاه‌ها (سمت)، جلد دوم.
- ◀ بونی فیس، دیویدر (۱۳۷۹)، «طرح آزمایش‌ها و روش‌های آماری برای پژوهش در علوم اجتماعی و رفتاری»، (هوشنگ طالبی، محمد حسین علامت ساز و آیت الله موسوی)، اصفهان، دانشگاه اصفهان، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاه‌ها (سمت).
- ◀ بیکر، ترزال (۱۳۸۳)، «نحوه انجام تحقیقات اجتماعی»، (هوشنگ ناییبی)، تهران، روش.
- ◀ تورکیدسن، جرج (۱۳۸۲)، «اوقات فراغت و نیازهای مردم»، (عباس اردکانیان)، تهران، نوربخش.
- ◀ تندنویس، فریدون (۱۳۷۸)، «جایگاه ورزش در اوقات فراغت دانشجویان کشور»، حرکت، ش ۲، صص ۹۴-۱۱۰.
- ◀ حسینی، سید یعقوب (۱۳۸۲)، «آمار ناپارامتریک»، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ◀ رفعت جاه، مریم (۱۳۸۶)، «انسان شناسی اوقات فراغت» (پلی کپی درسی)، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ◀ رفعت جاه، مریم (۱۳۸۷)، «دختران جوان و اوقات فراغت»، مطالعات جوانان، ش ۱۳، صص ۱۵۱-۱۷۳.
- ◀ سراج زاده، سید حسین (۱۳۷۸)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن»، نمایه پژوهش، ش ۱۰-۹.
- ◀ سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۳)، «تحول مفهوم اوقات فراغت»، مطالعات جوانان، ش ۶.

- ◀ سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۷)، «سیاست‌گذاری فراغت جوانان: چالش‌ها و فرصت‌ها»، **مطالعات جوانان**، ش ۱۳، صص ۲۳۳-۲۱۳.
- ◀ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷)، «پیوند و تعامل اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی در میان جوانان ایرانی»، **مطالعات جوانان**، ش ۱۳، صص ۹۴-۷۷.
- ◀ کارمینز، ادوارد جی و ریچارد آزلی (۱۳۸۶)، «**سنجش روایی و پایایی**»، (مریم اسکافی و سیمین فروغ زاده)، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد.
- ◀ محسنی، منوچهر (۱۳۸۲). «**جامعه‌شناسی پزشکی**»، تهران، طهوری.
- ◀ هارت، راجر ای (۱۳۸۰)، «**مشارکت کودکان و نوجوانان: از پذیرش صوری تا شهروند واقعی**»، (فریده طاهری)، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ◀ هی وود، لس و همکاران (۱۳۸۰)، «**اوقات فراغت**»، (محمد احسانی)، تهران، امید دانش.
- Abercombie, N. et al (2000), "**Contemporary British Society**", Policy Press.
 - Green, E and Hebron, S and Woodward, D (1990), "**Women's Leisure What Leisure**", Basingstone, Macmillan.
 - Rojek, Chris (2005), "**Leisure Theory, Principles and Practice**", London, Palgrave.
 - Rojek, Chris and Shaw, Susan M and Veal A J (2006), "**A Handbook of Leisure Studies**", London, Polgrave.
 - Trochim, William M K, Donnelly, James P (2006), "**Research Methods Knowledge Base**", Atomic Dog Publishing.